

انترناسیونال هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-870 120 7768

۹۴

۳ اسفند ۱۳۸۰

۲۲ فوریه ۲۰۰۲

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

اصغر کریمی

Tel: 0044-771-409-7928
asqar_karimi@yahoo.com

اسد گلچینی دبیر کمیته تشکیلات گل کشور
Tel: 0044-794-041-6768
asad.golchini@ukonline.co.uk

شهلا دانشفر دفتر مرکزی حزب
Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

رحمان حسین زاده دبیر کمیته کردستان حزب
Tel: 0046-739 855 837
r_hoseinzadeh@yahoo.com

بهرام مدرسی دبیر کمیته مرکزی
سازمان جوانان کمونیست
Tel: 0049-174-944-0201

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر - ۷۵۲۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:
0044 208 962 2707

محور شر: سیاست خارجی یا فلسفه تراشی سیاسی؟

مصاحبه با گورش مدرسی - بریفینگ شماره ۴۵



که ایران افغانستان نیست. آیا شما معتقدید که آمریکا به ایران حمله میکند؟ در آن صورت نتیجه آن چه میتواند باشد؟

گورش مدرسی: فکر میکنم که هر گونه عملیات نظامی آمریکا علیه ایران بشدت نامحتمل است. به دو دلیل. اولاً همانطور که بالاتر

گفتم این سخنرانی را باید در متن واقعی آن یعنی دادن یک فلسفه سیاسی عامه پسند به نقش نظامی آمریکا در جهان و توجیه بودجه نظامی آن دید و ثانياً، ایران کشوری است با موقعیت استراتژیک پیچیده که به سادگی نمیتوان با آن روبرو شد. ایران میتواند خلیج فارس را ببندد، کشورهای دیگر در منطقه را ناامن کند، کشوری است پهناور

پر جمعیت و با توانائی نظامی و اقتصادی منطقه ای قابل توجه. قرار دادن ایران و عراق کنار هم و در مقابل آمریکا حتی برای آدم ساده ای مثل جورج بوش مشکل بنظر خواهد آمد. هرگونه عملیات نظامی علیه ایران مستلزم بکارگیری نیرو و امکانات بر مراتب فراتر از ابعاد عملیات طوفان صحرا و عملیات علیه افغانستان است. فکر نمیکم که آمریکا آماده چنین عملیاتی باشد و اصولاً به تنهایی قادر به این کار باشد. در نظر داشته باشید که اروپا با این آهنگ

نمیرقصد. هستری حمله قریب الوقوع آمریکا علیه ایران یا از طرف جمهوری اسلامی بخصوص جناح خامنه‌ای دامن زده میشود و یا

از جانب سازمانهای ناسیونالیست - ضدامپریالیست که تنها قطب نمای سیاسی آنها ضد آمریکائی بودن آنها است. البته به اینها باید تحلیلگران سیاسی محدود نگری را که تمامی قضایا را از دریچه رشته تخصصی خود یعنی "مسائل ایران" نگاه میکنند را هم باید اضافه کرد.

نتیجه عملیات فرضی نظامی آمریکا علیه ایران چیزی جز تحریک و پرووکاسیون رژیم اسلامی علیه مردم ایران نیست. اگر آمریکا

که برای واقعیت فی الحال موجود سیاست خارجی آمریکا توجیهی بدست بدهد. دولت آمریکا مبیالیست آتش میهن پرستی را شعله ور نگاه دارد و بودجه نظامی خود، دلیل دخالت خود اینجا و آنجا، فشار برای بخط کردن اروپا و بخصوص سیاست غیر قابل توجیهش در قبال فلسطین را توجیه کند. "جنگ علیه تروریسم"

به تنهایی بیان مناسبی برای سیاست خارجی آمریکا نیست. طرح موضوع در این سطح عمومی، بطور مثال، هر کس را وا میدارد که تروریسم دولتی اسرائیل علیه فلسطینی‌ها را زیر ذره‌بین قرار دهد و در نتیجه تروریست و نیروی شر را باید دلخواه انتخاب کرد. ابتدا این

شیطان عراق بود، عراقی که خود در زمان بکارگیری اسلحه شیمیائی علیه کردها متحد و عزیز دردانه غرب بود، بعداً یوگوسلاوی آمد و اکنون ایران و کره شمالی در این لیست متمایز شده‌اند. همانطور که

گفتم این تئوری ها نوعی روکار برای سیاست خارجی آمریکا است تا یک تبیین نظری و استراتژیک - تاکتیکی. بنابراین من معتقد نیستم که این سخنرانی جهت گیری جدیدی در سیاست آمریکا نسبت به این کشورها را عرضه میکند، فکر میکنم سیاست آمریکا نسبت

به این کشورها مثل سابق باقی میماند. در قبال عراق آمریکا فاقد یک استراتژی روشن است و بسته به نیاز روز به آن برخورد میکند. سیاست آمریکا نسبت به ایران همان است که بود: تلاش برای تغییر از بالا برای تبدیل جمهوری اسلامی به یک حکومت اسلامی خوش‌خیم و در صورت امکان روی کار آوردن یک رژیم طرفدار غرب نظیر ترکیه. کره شمالی کارت ژوکر تئوری محور شر است که قرار است دست را تکمیل کند.

بریفینگ: سخنرانی بوش به بعضی از گروهها فرصت داده است تا دست به تحریک هستریک در مورد حمله قریب الوقوع به ایران، مانند افغانستان، بزنند. روشن است

بریفینگ: بوش در سخنرانی سالانه اخیر خود در سنای آمریکا، ایران، عراق و کره شمالی را "محور شر" نامید. آیا این بمثابة تغییری در سیاست آمریکا است؟ آیا این سخنرانی بخصوص در مورد این سه کشور و جنگ با تروریسم است یا فقط مصرف داخلی دارد؟

گورش مدرسی: به نظر من این سخنرانی نه بیان تغییری در سیاست خارجی آمریکا است و نه بخصوص تغییری در سیاست آمریکا در قبال ایران، عراق و کره شمالی. این سخنرانی را باید در متنی که مطرح شده ارزیابی کرد. همانطور که خود

شما اشاره کردید سخنرانی سالانه بوش در سنا بود و نه بحثی مختص به سیاست خارجی ایالات متحده در قبال این سه کشور. در این سخنرانی جورج بوش تلاش دارد که هدف و یا فلسفهای برای توجیه نقش ایالات متحده

بعنوان تنها قدرت جهانی که دنیا را در جهت منافع خود میگرداند بترشد. از زمان سقوط شوروی و پایان جنگ سرد این فلسفه سیاسی از دست رفته است. دولت‌های مختلف در آمریکا و کانون‌های فکری پشت این دولت‌ها تلاش ناموفقی برای بدست دادن چنین تئوری داشته‌اند.

بدست دادن "تحلیلی از وضعیت جهان" که نتیجه آن از پیش معلوم باشد کار آسانی نیست، بگذریم که شیادی هم هست. تئوری‌های عجیب و غریب و من درآوردی از "برخورد تمدنها" تا "محور شر" را سر هم کرده

اند و بسته به اینکه بعد از هر انتخاب کدام کانون فکری و گروهی به قدرت رسیده و یا بنا به وضعیت جهانی و مسائلی که در برابر هیات حاکمه وقت آمریکا قرار دارد یکی از این به اصطلاح تئوریها انتخاب میشوند. انتخاب این تئوریها برای دادن سمت و سوی جدیدی به سیاست خارجی آمریکا نیست. هدف این است

میخواهد به خامنه‌ای کمک کند باید بر ایران بمب بریزد. نتیجه این عمل در وهله اول صفوف درون رژیم اسلامی را پشت سر خامنه‌ای بخط میکند و بخصوص دست حکومت را برای سرکوب خونین هرگونه اعتراض مردم و حتی کشتار وسیع زندانیان سیاسی و فعالین سیاسی و کارگری را بوسیله گله ملیشای روانی اسلامی و سپاه پاسداران باز میکند. بالاس قدرت بین مردم و دولت اسلامی در ایران در سطحی نیست که کودتای خونین رژیم، در پس حمله آمریکا، به تعرض متقابل مردم به رژیم بینجامد. به عکس من معتقدم که در صورت تحقق چنین سناریویی، در شرایط کنونی، شاهد عقب نشینی توده ای مردم و درازتر شدن عمر رژیم خواهیم بود.

بریفینگ: بدنبال سخنرانی بوش، اتحاد ضد جنگ در خارج و همچنین گروههای ملی - مذهبی در ایران به کمک رژیم شتافتند. چرا این گروهها مکرراً در کنار رژیم‌های سرکوبگر سرد میاورند؟ سیاست اصولی برخورد به تهدید آمریکا که واقعا از منافع مردم در مقابل هر دو دولت دفاع کند چیست؟

گورش مدرسی: این اتحادهای ضد امپریالیست اولین قربانیان این تهدید شدند. گفتم که نیروهای ضدامپریالیست در ایران پشت سر حکومت صف می بندند؛ نوع اروپائی و آمریکائی آن هم البته دنبال همین راه را خواهند گرفت. این هم یکی دیگر از صحنه‌های فعالیت سیاسی این گروهها است که به پشتیبانی از یک حکومت سرکوبگر منتهی میشود. من در مصاحبه دیگری با بریفینگ به تفصیل بیشتر به ریشه‌های این حرکت پرداختام که اینجا لازم به تکرار نیست.

فکر میکنم که ما باید خواهان این شویم که آمریکا ما مردم ایران را به حال خود بگذارد. مردم ایران در پروسه انداختن رژیم اسلامی هستند. اگر کسی میخواهد کمک کند باید حقوق حاشا ناپدید مردم ایران را اعلام کند و نیروهایی که برای این حقوق مبارزه میکنند را مورد پشتیبانی قرار دهد. جینگوئیسم آمریکائی و پشتیبانی از یک نیروی سرکوبگر دیگر محلی از اعراب ندارد. ■

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پرستاران هم آمدند!

مصطفی صابر



اعتصاب پرستاران در اول اسفند ماه (که قرار است حرکات وسیع تری در روزهای آتی داشته باشند) واقعه مهم و درخور تعمقی است. پرستاران جمعیت قابل توجهی هستند. (بنا به گفته برخی مقامات صد هزار پرستار در ایران وجود دارد) مهمتر، شغل بسیار حساس و پر رابطه ای دارند. آنها کارگران خدمات درمانی و بهداشت هستند. حتی در شرایط عادی هم اعتصاب پرستاران تاثیرات سیاسی و اجتماعی گسترده ای دارد، چه رسد به شرایط فعلی جمهوری اسلامی که نزدیک به ۶۰ میلیون انسان به جان آمده در کمین آن نشسته اند، و دچار ورشکستگی اقتصادی، بی اعتباری روزافزون بین المللی و چنان تفرقه و تشتت درونی است که برای باز کردن جعبه سیاه هواپیمای سقوط کرده نیز باید از هر جناح نماینده ای حضور داشته باشد!

صرف نظر از این جنبه های بالقوه، اعتصاب پرستاران بطور مشخص تداوم و اعتلای روحیه رزمندگی و آمادگی برای به میدان آمدن در بین توده های طبقه کارگر و مردم ناراضی را اثبات میکند. این احتمال را بمراتب تقویت میکند که ما با گسترش حرکاتی از نوع اعتراضات معلمان روبرو خواهیم بود. این اعتصاب در کنار دیگر وقایع هفته اخیر (نظیر اعتصابات راهپیماییها و جاده بستن های کارگران برای گرفتن حقوق های معوقه در قائم شهر، ساری، رشت، کاشان، اصفهان و مراکز دیگر، ناراضی گسترده معلمان در قبال چندرغاز ۱۵ درصد افزایش حقوق و اعتراضات

آنها در اصفهان، بالا گرفتن زمزمه های ناراضی در شرکت نفت، و غیره) نشان میدهد که سرکوب تظاهرات پرشکوه معلمان و مردم تهران در ۶ بهمن، و بعد تلاش برای ایجاد فضای رعب در سایه رجز خوانی های میلیتاریستی و تروریستی آمریکا و جمهوری اسلامی، تیرهایی بودند که به سنگ خورد.

اعتصاب پرستاران میتواند نود و پنج درصد افزایش دستمزد دستمزد کارگران برای افزایش دستمزد است. از جست و خیز های اخیر ایادی رژیم در کارخانه ها (خانه کارگری ها) میتوان فهمید که ناراضی در بین کارگران گسترده و سطح توقعات بالا است. از آنسو از اظهارات اعضای شورایی عالی کار و نمایندگان مجلس (که مشغول تصویب بودجه اند) چنین پیداست که جمهوری اسلامی در پی همان افزایش چند درصدی هر ساله است. اکنون که معلمان و پرستاران برای افزایش دستمزد به میدان آمده اند، میتوان تصور را کرد که با تداوم اعتصابات و حرکات آنها، وسیع ترین توده های کارگر به آنها پیوندند و دانشجویان، دانش آموزان و کارمندان و همه مردم آزاده از این تحرک طبقه کارگر به گرمی استقبال کنند.

اسفند در کشوری که یک جمهوری ضد زن بر آن حاکم است، از یک جنبه دیگر هم اهمیت دارد. ۱۷ اسفند با ۸ مارس روز جهانی زن مصادف است. با توجه به جرقه های امید بخشی که در ۸ مارس پارسال شاهد آن بودیم،

با توجه به پتانسیل اعتراضی عظیمی که در بین زنان هست، با توجه به اهمیتی که مبارزه علیه ستمکشی زن دارد، میتوان امیدوار بود که در ۸ مارس امسال شاهد جنب و جوش گسترده، مبارزه علیه آپارتاید جنسی، و بویژه مبارزه علیه حجاب اسلامی باشیم. جنبش مبارزه برای افزایش دستمزد و جنبش مبارزه علیه حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی میتوانند یکدیگر را بشدت تقویت کنند. بیش از این، میتوانند بهم پیوندند و اجزاء واحد یک حرکت بزرگتر و همه جانبه تر، یعنی حرکت وسیع ترین اقشار جامعه علیه حکومت اسلامی و برای رفاه و آزادی و برابری باشند. (جالب است که پیشقروانان فعلی مبارزه برای افزایش دستمزد و بهبود معیشت، یعنی معلمان و پرستاران، از آن بخش هایی از طبقه کارگرند که بیشترین زنان شاغل را در خود دارند.) اسفند امسال فرصتی برای عروج طبقه کارگر و کمونیسم کارگری در پیشاپیش مردم آزاده برای بهبود معیشت، برابری زن و مرد، طلب آزادهای سیاسی، و عقب راندن رژیم اسلامی است. ■

به اعضا و دوستان حزب

بیماری رفیق نازنین مان منصور حکمت (ژوبین) موجی از نگرانی و احساسات و عواطف صمیمانه در دل تک تک شما در داخل و خارج کشور برانگیخته است. نامه ها، تلفنهای و پیامهای هرروزه شما و پرس و جوی دائم شما از پروسه معالجه او بیانگر این احساسات عمیق و غیر قابل وصف است و در عین حال سرشار از همبستگی و اتحاد حزبی و احساس مسئولیت عمیق همگی شما است. این احساس مشترک و روحیه عمومی وسیعی است که ابعاد آن بسیار فراتر از صفوف دو حزب کمونیست کارگری ایران و عراق است. اجازه دهید از جانب رهبری حزب به شما اطمینان خاطر بدهم که امکانات حزب در راه تامین بهترین امکانات پزشکی بخدمت گرفته شده است. موقعیت و نقش منصور حکمت در هر بعدی عمیقتر، عظیمتر و عزیزتر از آنست که جای کوچکترین گذشتی را بدهد. و روشن است که کمکهای پدیدریخ شما تعیین کننده بوده ست. بعلاوه همه تلاش ما این است که استانداردهای فعالیت حزب در عرصه

های مختلف و اتحاد و انسجام حزب و پیشتازی سیاسی آنرا طی دوران معالجه منصور حکمت بالا نگهداریم. این بدون تردید دو رکن مسئولیت مشترک و احساس مشترک همه دوستان منصور حکمت و همه اعضای و دوستاناران حزب در این دوره است.

اجازه دهید از جانب رهبری حزب از همه شما، و همچنین رهبری و اعضای حزب کمونیست کارگری عراق، به خاطر حمایت بی شائبه عاطفی، سیاسی، عملی و مالی که از حزب و رهبری آن داشتهاید صمیمانه تشکر کنم. این هجوم برای در آغوش گرفتن منصور حکمت عزیز و حزب و رهبری آن خارج از وصف است.

امید همه ما و آرزوی عمیق همه ما بهبود منصور حکمت (ژوبین) عزیز است. برای تک تک شما از صمیم قلب آرزوی موفقیت میکنم.

اصغر گرمی

جانشین رئیس دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ فوریه ۲۰۰۲

معلمان این افزایش ناچیز حقوقها را نمی پذیرند اعتراضات معلمان ادامه خواهد یافت

مدرسه و آزادی بیان و تشکل. تصمیم کمیته خاتمی اعلام ناتوانی حکومت اسلامی در رسیدگی به خواسته های معلمان است. تصمیم جمهوری اسلامی رها کردن بیش از یک میلیون معلم و خانواده های آنها در فقر و محرومیت است. این تصمیم جنایتکارانه است.

معلمان و کل طبقه کارگر راهی جز دامن زدن به اعتراض، برای تحقق خواسته های عادلانه خود ندارند. تنها راه فشرده تر کردن صفوف خود، متشکل شدن و عزم راسخ برای یک مقابله قدرتمند با حکومت اسلامی است. حزب کمونیست کارگری قاطعانه در کنار شما خواهد بود. حکومت مفتخوره های اسلامی، حکومت متحجر و آدمکش اسلامی، حکومت اسلامی سرمایه داران شایسته هیچ بشری نیست. آنرا باید به زیر کشید.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ بهمن ۱۳۸۰

انترناسیونال هفتگی را تکثیر و پخش کنید

کجی آشکار به یک میلیون معلمی است که کارد به استخوانشان رسیده است. تصمیم بیشرمانه حکومت اسلامی خشم معلمان را دامن خواهد زد.

مطالبات معلمان از جمله عبارت بود از افزایش حقوق ها برای برخورداری از یک زندگی انسانی، افزایش قابل توجه مزایا مانند حق مسکن، بن، حق ایاب و ذهاب و حق تغذیه، کاهش دو ساعت اضافه کاری که در دوران جنگ ارتجاعی به آنها تحمیل شده بود، افزایش وام مسکن متناسب با تورم، انتخاب مدیران توسط شورای معلمان هر

"کمیته رسیدگی به مطالبات فرهنگیان" طی بخشنامه ای داخلی به مدارس اعلام کرده است که حقوق و مزایای معلمان ۱۵ درصد افزایش خواهد یافت. در بخشنامه این کمیته که در اوج تظاهراتهای دهها هزار نفری معلمان و برای آرام کردن صدای اعتراض آنها به دستور خاتمی تشکیل شد. بندهائی نیز به افزایش کمک هزینه مسکن و کمکهای غیر نقدی اختصاص یافته است که بنا به یک برآورد، جمعا دریافتی معلمان از آغاز سال ۸۱ ماهانه حدود ۱۵ هزار تومان افزایش خواهد یافت. این مقدار افزایش حقوق آنچنان ناچیز است که جمهوری اسلامی حتی جرات نکرد آنرا رسماً و علناً اعلام کند. این یک دهن

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت
www.wpiran.org
www.wpibriefing.com
www.rowzane.com
www.hambastegi.org
www.childrenfirstinternational.org
www.jawanan.org
www.iwsolidarity.com
www.medusa2000.com
www.marxsociety.com
www.kvwpiran.org

Bank Account:
Z.I. Konto:
520 5164 008
BLZ: 10090000
Beliner Volksbank
Germany

Website:
www.haftegi.com
Email:
haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-8701207768

Address:
BM Box 8927
London
WC1N 3XX
England

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!